

تاریخ ادبیات یازدهم

ادبیات تعلیمی

وحشی بافقی: " فرهاد و شیرین"، (منظوم)	جامی: " تحفه الاحرار"، (منظوم) "تاریخ بیهقی"، (منثور)	ابوالفضل بیهقی:
جامی: "بهارستان"، (نثر آمیخته با نظم))	سعدی: "بوستان"، (منظوم)	

ویژگی های نثر بیهقی: دقت و صداقت در بیان - استواری و پختگی در نگارش - توصیفات گیرا و دقیق - ذکر دقیق جزئیات

ادبیات سفرو زندگی

بدیع الزمان فروزانفر: زندگی نامه جلال الدین محمد، مشهور به مولوی (زندگی نامه) منشور	مولانا: مثنوی (منظوم)
عطار: اسرارنامه، (منظوم)	محمد بن منور: اسرار التوحید (منشور-شرح حال)
عطار: منطق الطیر (منظوم)	محمد علی اسلامی ندوشن: روزها (منشور- حسب حال)
سنایی: الهی نامه (منظوم)	جلال متینی: "نمونه های نثر فصیح فارسی معاصر"، (داستان "اولین روزی که به خاطر دارم" نوشته ی

لطفعلی صورتگر است که
در کتاب "نمونه های نثر
فصیح فارسی معاصر" اثر
جلال متینی آمده است)

جلال الدین محمد، مشهور به مولوی یا مولانا: اوایل قرن هفتم
در شهر بلخ به دنیا آمد. به علت اقامت طولانی در قونیه به "
رومی" یا "مولانای روم" شهرت یافت.

پدر جلال الدین، محمد بن حسین خطیبی، معروف به "بها الدین
ولد" از دانشمندان روزگار خود بود. به سبب هراس از حمله ی
مغول و رنجش از خوارزمشاه ناجار از بلخ مهاجرت کرد.

جلال الدین در پنج شش سالگی شهر بلخ را بدرود گفت و به
قصد حج رهسپار مکه شد. در نیشابور با شیخ فرید الدین عطار
ملاقات کرد و عطار کتاب "اسرارنامه" را به جلال الدین هدیه
داد.

جلال الدین در هجده سالگی با " گوهر خاتون " ازدواج کرد.
در بیست و چهار سالگی بعد از درگذشت پدر، به اصرار مریدان
پدر، مجالس درس و وعظ را برعهده گرفت.

حدودا سی و هشت ساله بود که با شمس تبریزی ملاقات کرد.
شمس پیر و مرشدی بود که سال ها در جست و جویش بود.
چهار روز با او به خلوت و صحبت نشست. مولانا خدمت او زانو
زد و نوآموز گشت.

شمس به خاطر خشم و ناراحتی شاگردان مولانا و علما و زاهدان
قونیه ناگزیر قونیه را ترک کرد. مولانا در طلب شمس به تکاپو
پرداخت. پس از آن که او را یافت فرزند خود " سلطان ولد " را با
غزل " بروید ای حریفان... " به طلب شمس روانه دمشق کرد.

بعد از بازگشت شمس، یاران مولانا دوباره به آزار شمس
پرداختند. شمس ناگزیر دل از قونیه برکند و عزم کرد که دیگر
به آن شهر بازنیاید. از این به بعد سرانجام و عاقبت کار شمس به
درستی روشن نیست. کشش مولانا در جست و جوی شمس به
جایی نرسید.

پس از شمس، مولانا به تربیت و ارشاد مشتاقان معرفت پرداخت. از این دوره (سال ۶۴۷) تا هنگام درگذشت (سال ۶۷۲) به همت یاران نزدیک خود، شیخ صلاح الدین زرکوب و سپس حسن چلبی، نشر معارف الهی مشغول بود.

بهترین یادگار ایام هم‌دمی مولانا با این یاران، به ویژه با حسام الدین، سرودن کتاب مثنوی است که یکی از عالی‌ترین آثار ادبی ایران و اسلام است.

وقتی حسام الدین از مولانا درخواست نمود کتابی به طرز "الهی نامه" سنایی یا "منطق الطیر" عطار به منظوم درآورد، مولانا بی‌درنگ از دستار خود کاغذی که مشتمل بود بر هجده بیت آغازین مثنوی بیرون آورد.

از شاعران و عارفان هم‌روزگار مولول، سعدی و فخرالدین عراقی بودند که ظاهراً هر دو نفر با وی دیدار و ملاقات کرده‌اند.

آخرین غزل مولانا، غزل "روسر بنه به بالین" است.

عاقبت مولانا روز یک شنبه ، پنجم جمادی الاخر سال ۶۷۲ هجری قمری، هنگام غروب آفتاب از دنیا رفت. اهل قونیه از خرد و بزرگ در تشییع پیکر مولانا حاضر شدند.

شمس تبریزی: از مردم تبریز بود. برای کسب علوم و معارف بسیار مسافرت کرد و از مشایخ فراوان بهره برد. به دلیل سیر و سفر و البته جست و جو و پرواز در عالم معنا او را " شمس پرنده " می گفتند.

پدر مولانا: " بهاء ولد " و پسر او " سلطان ولد " بود

ادبیات غنائی

نظامی گنجه ای: لیلی و مجنون (منظوم)	نجم رازی (معروف به نجم دایه) "مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد" (نثر آمیخته به نظم)
عطار نیشابوری "تذکره الاولیا" (منثور)	جلال الدین محمد مولوی: غزلیات شمس (منظوم)

ادبیات پایداری

سعدی: گلستان (نثر آمیخته به نظم)	مجید واعظی: "عباس میرزا، آغازگری تنها" (زندگی نامه منشور)
مهدی حمیدی شیرازی: "در امواج سند" (شعر در قالب چهارپاره) منظوم	اصغر رباط جزی: "زندان موصل، خاطرات اسیر آزاد شده" (خاطره نویسی) منشور

ادبیات انقلاب اسلامی

سید ضیاءالدین شفیعی: "به یاد ۲۲ بهمن" (منثور)	سید حسن حسینی: "فصل عاشقی" (شعر در قالب غزل) منظوم
نصرالله مردانی: "سپیده می آید" (شعر در قالب غزل) منظوم	

چند تن از رباعی سرایان نامدار: خیام، عطار، مولوی، بابا افضل
کاشانی

چند تن از رباعی سرایان امروز: سلمان هراتی، مصطفی علی پور،
محمدعلی مجاهدی (پروانه)، مصطفی محدثی خراسانی

ادبیات حماسی

فردوسی: شاهنامه (منظوم) - حماسه	مجد خوافی: "روضه خلد" (نثر آمیخته به نظم)
بازل مشهدی: "حمله ی حیدری" (منظوم - حماسه)	نظام وفا: "وطن" (شعر حماسی در قالب مثنوی) منظوم

ضحاک: معرب اژی دهاک (اژدها)، در داستان های ایرانی، مظهر خوی شیطانی و زشتی و بدی است. در اوستا موجودی است سه پوزه ی سه سرش چشم، دیوزاد و مایه ی آسیب آدمیان.

مرداس: پدر ضحاک، مردی پاک دین است و ابلیس با موافقت ضحاک او را از پا در می آورد.

کاوه: آهنگری بود که علیه ضحاک قیام کرد و فریدون را به پادشاهی ایران رساند.

فریدون: ضحاک را در کوه دمانو به بند کشید و خود به شهریاری
رسید.

حمله ی حیدری: منظومه ای است که شاعر آن تحت تاثیر
حماسه های ملی، این حماسه دینی را با دخل و تصرف در اصل
موضوع و آرایش صحنه نبرد به شیوه ی شاهنامه سروده است.

ادبیات داستانی

ترجمه ی ابوامعالی نصران.. منشی: "کليله و دمنه" (منثور)	رسول پرویزی: " شلوارهای وصله دار" (مجموعه داستان کوتاه)منثور
محمد عوفی " جوامع الحکایات و لوامع الروایات" (منثور)	نادر ابراهیمی: "سه دیدار" (رمان)منثور

ادبیات جهان

رابیندرانات تاگور: "ماه نو و مرغان آواره" (ترجمه ع. پاشایی) منظوم	ریچارد باخ: "پرنده ای به نام آذرباد" (ترجمه سودابه پرتوی) منثور
جبران خلیل جبران: "پیامبر و دیوانه" (ترجمه ی نجف دریابندری) منثور	علی شریعتی: "کویر" (منثور)
یوهان ولفگانگ گوته: "دیوان غربی-شرقی" (ترجمه ی کوروش صفوی) منظوم	